

گیلان و آثار تاریخی آن

قلعه شمیران

چهارراه بوده و چهار دروازه داشته است ، چنانچه ملاحظه شود هویدا است که در هر جای اوستا از فریدون اسم برده شده از سرزمین ورن در گیلان نیز نامی بهمان آمده است .

در پاره ۳۳ آیان یست گفته : از برای او (ناهید) فریدون پسر آیین از خاندان توانا و قادر خاک چهار گوت ورن صد اسب و هزار گاو و ده هزار گوسفند نیاز نمود و طلب کرد که به ازدهاک یعنی (ضحاک) چیره گردد .

قلعه شمیران یا " سیران " و مجموعه بناهای آن حدوداً در ۷ کیلومتری غرب منجیل در منطقه طارمات (طارم علیا) در کنار رودخانه فزل اوزن قرار دارد ، این مجموعه از اشیاء تاریخی ایران ، که زمانی دژ شهری عظیم و وسیع بوده است از معدود مجموعه‌های ابقتهای ایران بشمار می‌رود .

دژ سیران مربوط به کنگریان از سلسله آل بویه بوده و حدود هزار سال از قدمت بناهای آن میگذرد و ناصر خسرو قبادبانی و بسیاری از سیاحان از این شهر بزرگ دیدن کرده‌اند و در سفر نامه خویش به توصیف آن پرداخته‌اند که در جای خود خواهد آمد .

سرزمین گیلان را در کتاب اوستا (ورن) نامیده‌اند و در موارد متعدد از کتاب دینی ایرانیان از آن سرزمین یادآوری شده مثل " آیان یست " و در وسب یست و " ارت یست " و " زامیار یست " در " فرکرد وندیداد " فریدون پادشاه داستانی که او را در اوستا (شهرتئون) پسر (اشتهویه) که و را آبتین گویند گیلانی و از خاک ورن میباشد . در " فرکرد وندیداد " که از سودمندترین فصول آوبیستاست از شانزدهمین سرزمین ایرانی و ایران اسم برده است :

یکی از آنها (ایران ویج) یعنی خوارزم و یکی (سفد) یعنی بلخ و گرگان و نساء و قندهار و یکی (هلمند) یعنی ری و یکی دیگر (ورن) است که گویند : چهارمین جاها و سرزمینهایی که من اهورمزدا بهترین بیافریدم (ورن) است آنجا فریدون زائیده شده و براندازنده ازدهاک (ضحاک) میباشد در آنجا اهریمن پرگزند به تیبارکی دستان و کشور خدای غیر ایرانی پدید آورد و در تفسیر پهلوی همین فقره از وندیداد که در روزگار ساسانیان نوشته شد (ورن) یعنی گیلان از پیشخوار گردیلم گیلان دانسته و آن را ورن چهار گوشه نیز خوانده است ، بجهت آنکه ورن و گیلان دارای



یکی از مقابر از فاصله ۲۰۰ متری

آن قلعه هستند تا ، کسی ، بیراهی و سرکشی نتواند کرد و گفتند آن امیرا قلعه های بسیار در ولایت دیلم باشد و عدل و ایمنی تمام باشد چنانکه در ولایت او کسی نتواند که از کسی چیزی ستاند و مردمان که در ولایت وی بمسجد آدینه روند همه کفشها را بیرون مسجد بگذارند و هیچ کس کفش آن کسان رانبرد و این امیر نام خود را بر کاغذ چنین نویسد که مرزین الدیلم خلیل جیلان ابو صالح مولی امیرالمومنین و نامش حستان ابراهیم است .»

از مختصر گفته ناصر خسرو میتوان به بزرگی شهر و اهمیت آن پی برد و بواقع پس از گذشت قرون متعددی باز دید

قلعه شمیران یا سمیران به فتح " شین " یا " سین " از قلاع پر اهمیت و معتبر ایران است که نمونه آن را در کمتر جایی میتوان دید ، وجه تسمیه این قلعه شاید بخاطر قرار گرفتن آن در مکانی رفیع باشد توضیح اینکه کلمه " شم " بمعنای رفیع و " شمیران " بمعنای جای رفیع و بلند است . متأسفانه قلعه شمیران و بناهای دیگر آن بعلت موقعیت کنونی متروک و تقریباً مرده است و در حقیقت جزء بناهای منفرد و بدون استفاده است و هیچگونه عملکردی ندارد . بجز بقعه ای کوچک در نزدیکی آن که اهالی روستاهای اطراف برای زیارت بانجا روی میاورند این بقعه کوچک ظاهراً (مربوط بدوران تیموری است و خطوط ثلث با رنگ لاجوردی در متن طقاری آن که " دور تا دور " با طاق گنبد بکار رفته است با نمونه های مشابه آن در بناهای تیموری کاملاً قابل مقایسه میباشد .

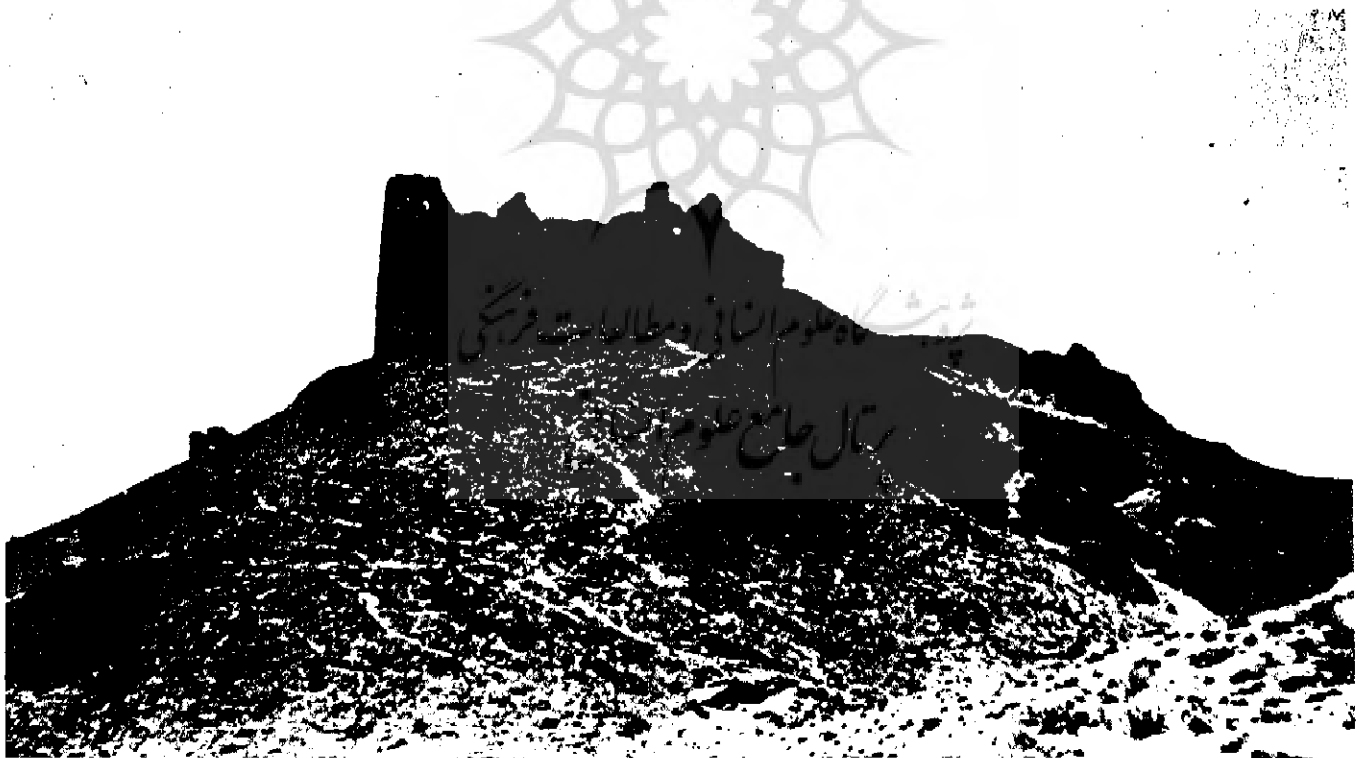
بجز امامزاده مذکور آنچه جلب توجه میکند وجود دو مقبره برجی شکل است که در فاصله ۳۰۰ متری یکدیگر قرار دارد که تقریباً بصورت مشابه ساخته شده و یکی از این مقابر نسبت بدیگری عظیم تر و رفیع تر است و هر دو دارای سنگ زاری و مشخصات و عناصر معماری قرن سوم و چهارم هجری قمری را در بر دارد . نقشه هر دو ۸ ضلعی و محل تقاطع اضلاع را با نیم برج هائی کور کار نموده اند که بر زیبایی آن افزوده است . هر کدام از اضلاع دو طاق نما دارد و مصالح بکار رفته از سنگ لاشه و ملات ساروج میباشد .

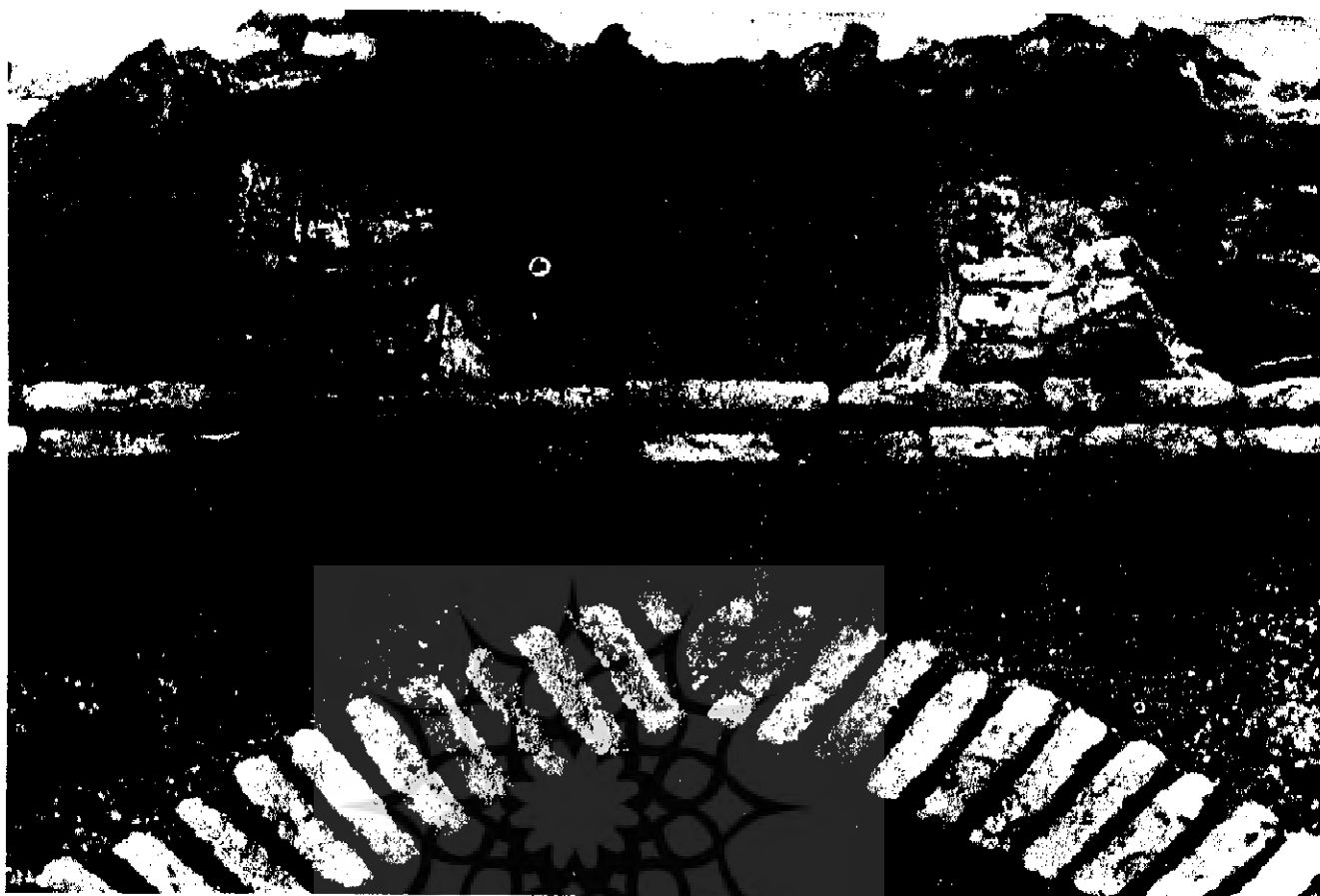
ناصر خسرو در مورد شهر شمیران چنین میگوید :
 «از خندان تاشمیران سه فرسنگ بیابانکبست همه سنگلاخ و آن قصبه ولایت طارم است و بکنار شهر قلعه ای بلند بنیادش بر سنگ خاره نهاده است سه دیوار در گرد او کشیده و کاریزی میان قلعه فرو بریده تا کنار رودخانه که از آنجا آب بر آورند و به قلعه برند و هزار مرد از مهتر زادگان ولایت در

از این قلعه و مجموعه آن هر بیننده را بخاطر اینهمه هنر و معماری ارزنده‌اش به حیرت و تعجب وا میدارد . کاربرد لاشه سنگ بصورت گوناگون و اریب که در فواصل معین آن الوارهای ، تراشیده یکپارچه و مستحکم قرار گرفته ، قابل توجه است ، بعلاوه معماری حساب شده و دقیق آن آنچنان بوده که پس از قرن ها هنوز بسیاری از الوارهای آن البته ، در جبهه شمالی آن قابل دسترسی و تعدی و تجاوز نبوده همچنان سالم بی اغراق بصورت اولیه خود باقیمانده و یک هماهنگی جالب و قابل تعمق را بین سنگ ، عنصری سخت و شکننده و چوب ، عنصری نرم و انعطاف پذیر ایجاد کرده است و در حقیقت میتوان گفت که بکار بستن چوب در فواصل معین حتی در زوایا و انحنای برجها و ایجاد کلاف



تصویر قلعه از جبهه شمالی



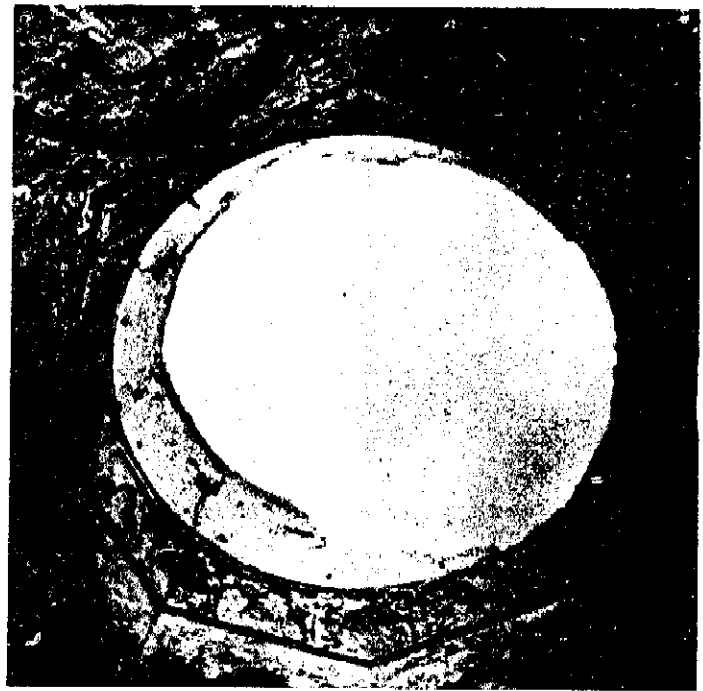


مقداری از گجیری باقیمانده در یکی از دو مقبره

تصویری از یکی از مقابر جبهه جنوبی



پروژه کتابخانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 نشریات جامع علوم انسانی



چوبی چنان استحکامی را به بنا داده است که اگر عامل انسانی در تخریب آن نبود این مجموعه عظیم باستانی که نشانی از فرهنگ فنی گذشته ماست بجزین وضعی در نمی آمد . متأسفانه همان طور که ذکر آن رفت بعزت نامساعد بودن منطقه از نظر جغرافیائی و از طرفی بی توجهی و عدم شناخت اهالی ، که در مجموع میتوانند یکی از مخرب ترین عوامل نابود کننده آثار تاریخی بحساب آید ، قلعه مذکور را بصورت کنونی خود در آورده است و در حال حاضر بجز جبهه شمالی قلعه بقیه قسمتها از بین رفته و فقط آثاری از آن باقیست .

در کتاب جغرافیای گیلان نوشته م . م . لاهیجانی چنین آمده .

زادر چهار فرسنگی رودبار خرابه های تختگاه کنگریان که شرح حال آنانرا در کتاب علیحده داده ایم و آنان از ملوک دیالمه گیلان بوده اند واقع شده و این همان قلعه شمیران و قلعه و دژ معروف " شمع ایران " است که در تاریخ گیلان اسمی از آن بوده و آن واقع در طارم است و در عصر سلطان علی میرزا بن امیر کیا الحسینی بدست گماشتگان وی این قلعه

و دژ فتح گردید و رئیس آن در این تاریخ قبل از سنه ۷۸۷ یا ۷۹۹ هجری بوده سایرین اختلاف تواریخ قباد نامی بود که بعد از جنگ زیاد قباد امان ظلمیده سید علی کیا مذکور ناح الدین محمود برفجانی را بریاست آن قلعه تعیین کرد تا هفت سال مملکت طارم در دست نوکران سید مذکور بوده است . ابوعلی حسن بن احمد کنگری در نامه ای که بصاحب بن عباد وزیر معروف نوشته گوید : خاندان کنگریان در میان دیلییان بلند پایه مقام شامخی داشته اند ، تا آنکه دژ سمیران را که پایتخت کنگریان است تصرف کردند و از بلندی همت خویش بواسطه همین دژ مذکور طارم را تصاحب کردند و کارشان بجائی رسید که از حستان و هسودان دیلمی پادشاه دیلم زن خواستند و حستان با آنکه چهل سال پادشاهی نموده بود چون دید دژ سمیران خواهر الموت است ناگزیر شد تن زیر بار این پیوند و خویشی داد .»

ناصر خسرو گوید : از خندان طارم تا آنجا یعنی دژ سمیران سه فرسنگ راه است این تختگاه کنگریان الان جز خرابه بیش نیست و اطرافشان را کوههای عربان و سنگلاخهایی احاطه کرده است و فاقد آب و آبادی است . این خرابه پایتخت شاهان دیالمه بوده و در عصر خویش اهمیت بسیاری داشته و دانشمندان بسیاری از آنجا عبور نموده اند و توصیفش کرده اند ، چنانچه سیاح تازی مسعود بن مهلبل در توصیف آن قلعه مینویسد : دژ پادشاه دیلم که به سمیران معروف است آنچه از خانه ها و کوشکها دیدم در تختگاه هیچ پادشاهی ندیدم . در این دژ دو هزار و سیصد و پنجاه و اند خانه بزرگ و کوچک است .

عالم بزرگوار ، ناصر خسرو علوی نیز چندی بعنوان سیاحت در این دژ توقف داشته و در سفرنامه خود شرحی مفید ذکر داشته است و نیز طایفه شاهنشاهیان معروف بسلوک دیالمه و یآل بویه و دیگر از ابراء پادشاهان دست یافتن بر آن دژ را اهمیت خاصی فائل بودند و از نامه ابوعلی حسینی



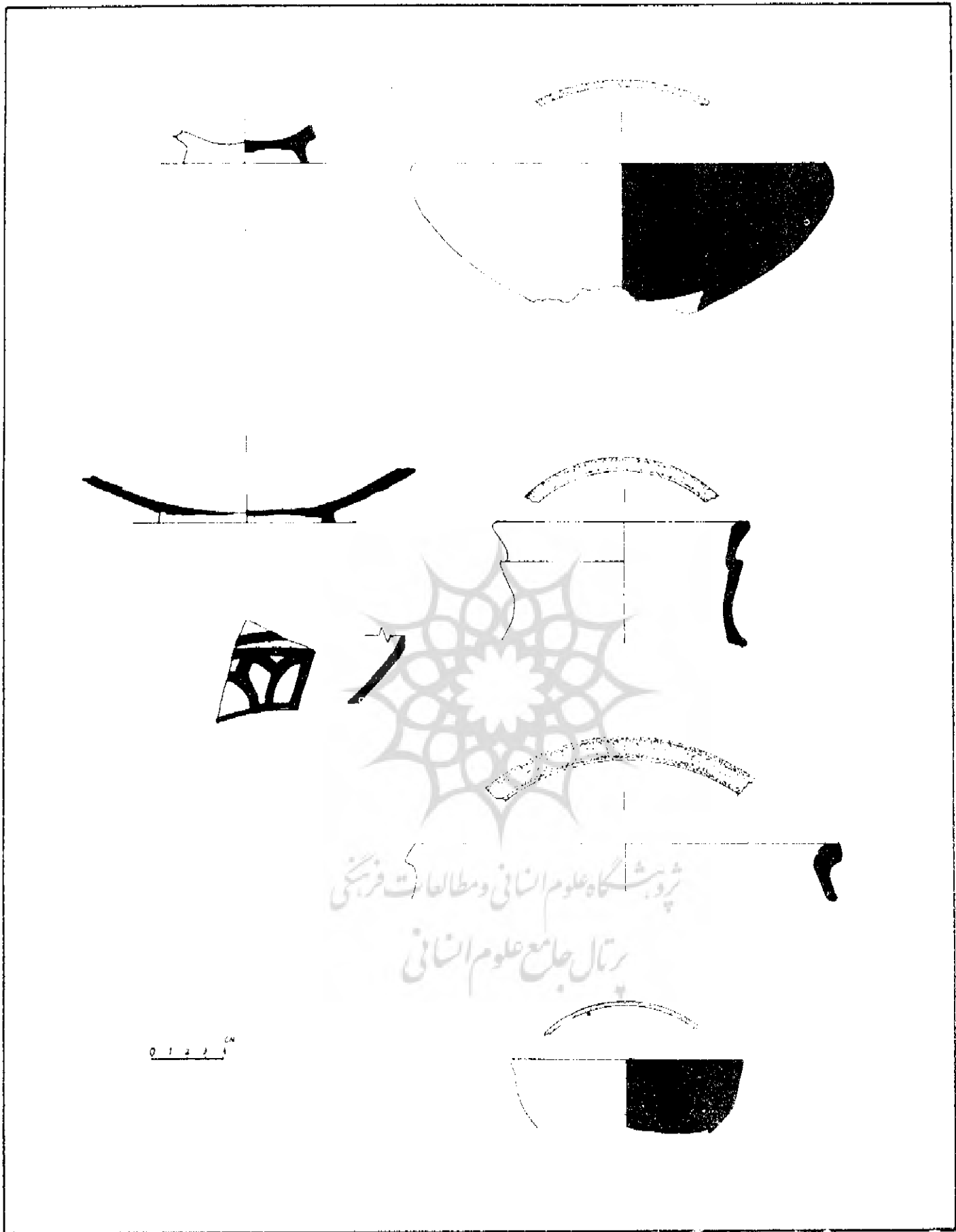
منظره کلی یکی از دوقفله

رودخانه سفید رود مثل سنگی است که این سنگ لااقل با ارتفاع ۴۰ متر می باشد و روی آنرا بنای مکعب شکلی با اصطلاح سر بفلک کشیده است و اکنون هم قسمت مهم آن بنا پا برجاست. ظاهراً آیین همان شاهزادگیست که در زمان امیر تیمور یک نعر از امراء دیلمان را به بیت بعضی از امرا گیلان از این حایب رودخانه سفید رود برت نموده و هلاکش ساختند .

چون داخل محوطه شوی، روی یک صخره عظیمی از سنگ خارا در قسمت جنوبی این محوطه بناء عظیمی با سنگ و آجر و خشت پا برجاست و محیط آن بنا شاید پیش از پانصد متر باشد و از شاهکارهای بنایی است و دیوارهای فطور آن

بسیار احمد کداز کنگریان است و فرماده سیاه انعامی فخرالدوله دیلمی آن بویه که از بزرگان شاهنشاهان بویه برای تسخیر این دژ صاحب بن عباد صدراعظم معروف و معاون آل بویه مینویسد: دژ سمیران در نیست کنور است، و کنور سیاه کشورهاست اهمیت این دژ معلوم است، گر بنا باشد مفضل داستان و عجائب و غرائب آن نگاشته بود خود مسئلهای مستقل است که از حوصله بیرون است .

بالجمله بالای این دژ فعلاً "موسوم به امامزاده قاسم در چهار فرسنگی رود یار و در نزد عوام بقعه کبری معروف و جزء طارم سفلی می باشد قبل از ورود بداخل این محوطه و قلعه آن طرف



طرح نمونه سفالهای موجود در دژشمیران

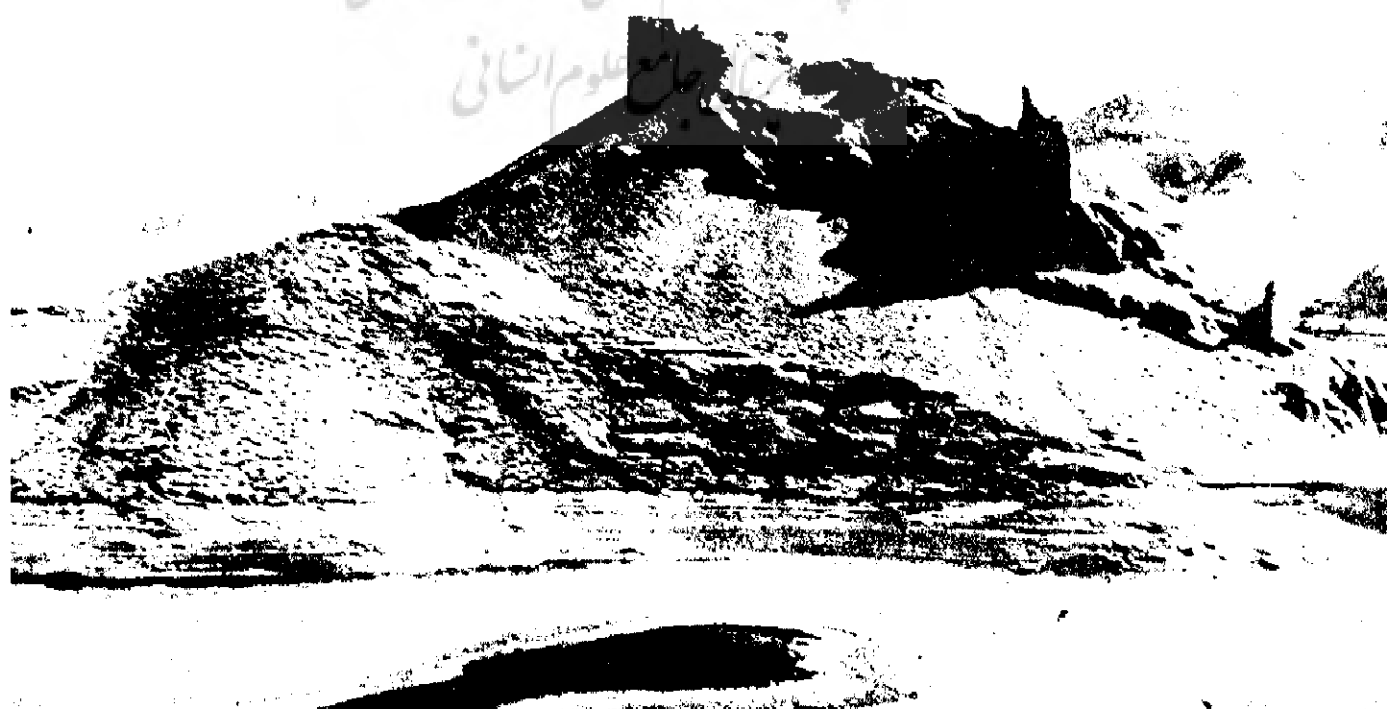
که با ارتفاع زیادی از یک فرسنگ پیداست با عظمت مخصوصی
با برجها و جالب نظر است .

روبروی این بنا ، بنای دیگری که بنظر میرسد دیده بانی
بوده برقرار است و اطرافشان چندین ساختمان با برجها همچنین
در حدود نه بنای مخروبه دیده میشود و بعلاوه یک بقعه و
مسجد که اطراف آن چندین حجره و دارای سه گنبد دست
نخورده و دودرب قیمتی و یک سنگ مرمر حجاری شده بهادار
است موجود است که از بناهای قدیمی میباشد . و اطراف
کلبه این بناها حصار بزرگی کشیده شده از سنگ خارا که
نمتهائی از آن که حصار شهر را تشکیل میدهد باقی و با
برجاست بعلاوه تپه های مخروبه ای که در وسط این محیط قرار

دارد حاکی از این است که بناهای عمارات آباد و الان به صورت
تپه های خاکی درآمده اند . این بود مقداری از شرح تاریخ و
جغرافیای این دژ خرابه که ما مطلع شدیم و در این کتاب
بمناسب ذکر کردیم .

پا قوت حموی در معجم البلدان درباره قلعه شمیران
گوید : " خداوند الموت ویرانش ساخت " از این جابجوبی
معلوم میشود که منقرض شدن کنگریان دبالمه که سلطنت دژ
شمیران و آن نواحی را داشتند و پایتخت آنان همین قلعه
شمیران بود بدست اسمعیلیان صورت گرفته و آخرین سلطان
آنان مسافرکنگری بود که این اشیراز وی اسمی برده است گوید
در سنه ۴۵۴ هجری طغرل بیک سلجوقی به " قلعه طارم " از

تصویر قلعه از فاصله ۳۰۰ متری به جبهه غربی



"خاک دیلم" رفت و بر مسافر پادشاه آنجا صد هزار دینار و پنجاه هزار جامه قرار داده که هر ساله بهر دزد بنابر این سلطنت کنگریان که آخر شخص آنها مسافر کنگری بوده بدست خداوند الموتیان که اسماعیلیان باشد منقرض شدند و این معنی بر حسب ظاهر درست است زیرا در سنه ۴۵۴ طغرل بیگ با مسافر کنگری پادشاه طارم و قلعه شمیران مصالحه کرد و قرارداد نمود و در سنه ۴۸۳ تاسیس دولت الموتیان شده است و فاصله بین این دو تاریخ بیست و نه سال است و ممکن است که در ظرف این ۲۹ سال و یا بیشتر کنگریان استقراری در طارم و دیلمان و دژ شمیران داشته اند که بعداً "الموتیان و اسماعیلیان" آنها را منقرض کرده باشند بهر حال تاریخ بنای دژ شمیران یا شمیران و یا شمع ایران و یا قلعه طارم بر ما نامعلوم است که بانی اول آن چه کس بوده و لکن آنچه آشکار است که در عصر کنگریان و دیلمیان این دژ پایتخت آنان بوده است و کنگریان از سنه ۳۱۰ هـ تا سنه ۴۸۳ هـ بوده اند ، در سنه ۴۵۳ هـ طغرل بیگ سلجوقی به طارم و قلعه شمیران رفت و از پادشاه آنجا

که موسوم به مسافر بود معاهده گرفت و قرار داد که هر سالی ۱۰۰۰۰۰ دینار و ۵۰۰۰۰۰ جامه بهر دزد این قلعه در عصر الموتیان که از سنه ۴۸۳ هجری تا سنه ۶۵۰ یا ۶۴۰ حکومت داشتند بدست آنان بوده و با قوت حموی گوید قلعه شمیران را الموتیان خراب کردند قلعه شمیران در عصر سلطان علی کیابن امیرکیلاهیجانی معمور بوده و بدست گماشتگانش فتح گردید در این وقت رئیس قلعه که "قیاد" نام داشت از "سید علی کیا" امان طلبید و قلعه را تسلیم داد در این وقت سید علی کیا تاج الدین محمد برفجانی را بریاست آن قلعه تعیین نمود و هفت سال مملکت طارم و این قلعه در دست گماشتگان و نوکران سید علی کیا مذکور بوده است . این موضوع قبل از سال ۷۸۷ هـ یا ۷۹۹ بوده است پس معلوم میشود که این قلعه چندین مرتبه خراب و تعمیر شده و الان فقط آثاری از آن باقی است و این قلعه نامی ، عالمی بوده و تقریباً "هرار سال پیش است که هنوز آثاری از آن باقی است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی